



نشست نقد و بررسی کتاب «گمشده مجنون»؛

«زندگی، انسان وزمین»

سرنوشت کتاب را مشخص می‌کند

و نگارش بزندن. این سه مفهوم عبارتند از: زندگی، انسان و زمین. این سه مفهوم زیربوم‌های زیادی دارند و در زندگینامه داستانی هم مانند رمان، این سه واژه سرنوشت اثر را مشخص می‌کنند. در قرآن کریم، معرفت‌ها و شناخت‌هایی که ارائه شده بیشتر یا درباره نحوه زندگی یا در زمینه طبیعت و رویش و انسان است.

✎ انسان مدنظر تان را بازنمایی کنید

انسان واقعا واژه پیچیده‌ای است. کسی که می‌خواهد زندگینامه بنویسد، باید انسان مد نظرش را بازنمایی کند که برای این کار نیاز به مهمات دارد. نویسنده زندگینامه باید زندگی انسان را با تمام فراز و فرودها و نقاط تکوینش بشناسد. اگر این موارد مد نظر قرار نگیرد، زندگی‌ها همه معمولی می‌شوند. در بسیاری موارد در زمینه نگارش زندگینامه شهید، وقتی شروع به نوشتن می‌کنیم، پس از چند صفحه با مطالعه روش و سیره زندگی آن شهید، خواننده به این نتیجه می‌رسد که شهید مجبور بوده این راه را برود، درحالی‌که همه شهیدان در زندگی مانند دیگر انسان‌ها، حق انتخاب و فرصت‌هایی دارند.

✎ چرا قصه عاشقی و خواستگاری مشخص نیست؟

یکی از اشکالات مربوط به موضوع سربازی شهید است. دوران سربازی به عنوان یک نقطه مهم در زندگی مردان محسوب می‌شود که در این کتاب فقط در چندین صفحه ماجرای سرباز فراری بودن شهید مطرح و دنبال می‌شود و از یک جایی به بعد موضوع رها شده است. همچنین مقطع نامزدی نیز در زندگی ما انسان‌ها، مهم و خاطره‌انگیز است که در این اثر مشخص نیست قصه این عاشقی و خواستگاری از کجا شروع شده و نقطه آغاز آن کجاست.

✎ به قالب‌ها و سبک‌های نوشتاری احترام بگذاریم

باید به قالب‌ها و سبک‌های نوشتاری احترام بگذاریم. سبک نگارش زندگینامه کاملاً با رمان تفاوت دارد. در رمان کنار آدم‌هایی که خلق می‌کنیم، هستیم و گاهی فرصت می‌دهیم که شخصیت‌ها خودشان حرف بزنند و خود را معرفی کنند اما در زندگینامه مانند این کتاب، قالبی که برای روایت انتخاب شده باید بر محمدرضا تمرکز داشته باشد.

✎ طولانی شدن دوره زمانی، کار نویسنده را سخت می‌کند

کتاب از میانه‌های دهه ۲۰ زمانی که پدر محمدرضا از خدمت سربازی به روستا بازمی‌گردد، شروع شده و تا حدود سال ۱۴۰۰ ادامه می‌یابد؛ حریف این دوره زمانی طولانی شدن، قدری سخت است. با انتخاب این بازه، باید دهه‌های ۲۰ و ۳۰ را هم بشناسید. به عنوان مثال چطور می‌توان یکی از روستاهای دورافتاده با شرایط دشوار زندگی آن‌هم در آن سال‌ها را تصور کرد. یا در جایی دیگر از متن ذکر شده که وقتی محمدرضا به دنیا آمد، همان زمان صدای اذان از مسجد پخش شد. مطمئن هستم که در آن سال‌ها مسجدها آن‌هم در روستاهای دورافتاده برق نداشتند که صدای اذان مثلاً از بلندگوی مسجد پخش شود. بهتر بود ماجرا از همان سال ۱۳۳۶ زمانی که خانواده منتظر تولد فرزند دوم بودند، آغاز می‌شد.

نشست نقد و بررسی کتاب «گمشده مجنون»؛ زندگینامه سردار شهید محمدرضا کارور» با حضور مریم عباسی جعفری نویسنده کتاب، محمد قاسمی پور منتقد و جمعی از دست‌اندرکاران انتشارات ۲۷ بعثت و اهالی کتاب و رسانه در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.

✎ از یک شخص زنده و مورد اعتماد کمک بگیرید

محمد قاسمی پور به عنوان منتقد در این نشست گفت: اگر دوست، همکار، مدرس یا یک کارشناس زنده پس از پایان نگارش، کار را ببیند و نظراتش را بیان کند، خیلی مفید و سازنده است اما در مسیر نگارش از طراحی، تأمل در ایده تادست به قلم شدن و تعیین ساختار، تعدد مشاوران مشکل ایجاد می‌کند و بهتر است از مشاور واحدی کمک بگیریم. نگارش ابتدایی با یک زاویه دید و تغییر دوباره و نگارش جدید با زاویه دیدی دیگر که نتیجه تغییر مشاور و ناشر اثر بوده، نویسنده را اذیت می‌کند. سعی کنید در کارهای بعدی از ابتدا از یک شخص زنده و مورد اعتماد به عنوان مشاور کمک بگیرید. البته در پایان کار هرچه نظرات بیشتری جویا شویم، ارزشمندتر و مفیدتر است.

✎ کتاب، خوش دست است

کتاب حجم زیادی دارد ولی صحافی آن ضعیف است. در کل از حیث انتخاب نوع کاغذ و نحوه چاپ، با وجود صفحات زیاد، کتاب خوش دست است. روی عنوان کتاب نیز می‌توان تأمل کرد؛ کلمه مجنون هم به جزیره‌ای در جنوب کشور و انجام عملیات‌هایی در آن منطقه اشاره دارد و هم دارای بار ادبیاتی به معنای دلدادگی و عاشقی است. فهرست را باید بخشی جدی و زنده از متن بدانیم و روی آن وقت بگذاریم. از عناوین هفت فصل، تقریباً پنج فصل عناوین واقع‌گرا مانند عملیات خیبر دارند؛ عناوینی عاری از هرگونه جنبه‌های ادبی و نمادین اما عنوان دو فصل «نفس‌های آخر زمستان» و «غوغایی در دل» کاملاً با دیگر فصل‌ها متفاوت است؛ می‌شد روی یکدست‌سازی عناوین کمی تأمل کرد.

✎ در ادبیات و هنر، کم‌گویی و گزیده‌گویی اصل است

همیشه سعی کنید تقدیم‌نامه کوتاه و موجز باشد. در ادبیات و هنر، کم‌گویی و گزیده‌گویی اصل است. معمولاً تقدیرنامه به یک یاد و نفر تقدیم می‌شود ولی می‌توان گفت موضوعی سلیقه‌ای و دلی است. تقدیم‌نامه، مقدمه و فهرست، نخستین قدمگاه برای قضاوت مخاطب نسبت به متن اثر است. لذا هیچ نقصان و لغزش احتمالی در این بخش‌ها پذیرفته نیست. در مقدمه باید سلیس و روان بگوییم چه کرده‌ایم و خواننده باید منتظر چه چیزی باشد. از متن مقدمه یک کتاب درباره زندگینامه یک سردار شهید، باید کارکردی متعارف طلب کنیم. میزان پایبندی به حقیقت و وفاداری به روایت‌ها باید در مقدمه دیده شود.

✎ «زندگی، انسان وزمین» سرنوشت کتاب را مشخص می‌کند

کسانی که به حوزه نوشتن زندگینامه ورود می‌کنند، خوب است که در پیش‌نیازهای کار ابتدا روی سه مفهوم مطالعه و شناخت داشته باشند، بعد دست به انجام مصاحبه

از نگاه نویسنده

مادرم شفا گرفت

✎ فضیلت زنده نگه داشتن یاد شهید، کمتر از شهادت نیست. کتابی درباره شهیدان به نگارش در نمی‌آید، مگر با عنایت و کمک خود شهید. کتاب «گمشده مجنون» نیز با عنایت سردار شهید محمدرضا کارور، فرمانده گردان مالک‌اشتر نوشته



مریم عباسی جعفری

نویسنده
«گمشده مجنون»

شد. این کتاب با محوریت سبک زندگی و سیره این شهید بزرگوار به نگارش درآمد اما در آن از دیگر شهیدای گرانقدر انقلاب اسلامی همچون شهید مهدی خندان، شهید عراقی، شهید عباس ورامینی و شهید شاهمرادی نیز یاد شده است.

آشنایی من با شهید محمدرضا کارور به ۱۵ سالگی ام بازمی‌گردد. تا آن زمان در چنین حال و هوایی نبودم تا این که مادرم به بیماری سختی دچار شد و برای این که شفای مادرم را از شهید بگیرم، با کاروان راهیان نور همراه شدم و در دوکوهه برای نخستین بار تمثال شهید کارور را دیدم که همان جابه ایشان توسل جستم و بعد از چند هفته نیز مادرم شفای کاملش را به دست آورد.

پس از آن تصمیم گرفتم در کلاس‌های نویسندگی شرکت کنم که یکی از اساتید آقای رحیم مخدومی بودند و قصد داشتند کتابی درباره شهید کارور بنویسند.

انجام این کار برای نشر رسول آفتاب، به من سپرده شد و تعدادی مصاحبه در اختیارم قرار گرفت که خیلی کم و شاید تنها پاسخگوی ۱۰ درصد کار بود. با نشر ۲۷ بعثت تماس گرفتم و درخواست کردم اطلاعاتی در اختیارم بگذارند.

مصاحبه‌ها را از نشر ۲۷ بعثت دریافت کردم و با همکاری خانم زکی‌زاده تعدادی مصاحبه جدید نیز گرفتم. ابتدا با مادر شهید صحبت کردم که اطلاعات خوبی از قبل از تولد محمدرضا و همچنین دوران زندگی فرزند شهیدش در اختیار ما قرار داد. ایشان بعدها آرزایم گرفتند و یک ماه قبل از چاپ کتاب نیز چشم از دنیا فرو بستند.

همسر شهید محمدرضا کارور به این دلیل که تنها مدت کوتاهی با شهید زندگی کرده بود، ابتدا مایل به انجام مصاحبه نبود و پس از یک ماه رفت و آمد به منزل ایشان و پیگیری، پذیرفتند که این کار انجام شود.

از همان زندگی کوتاه، خاطرات خوبی از سوی ایشان مطرح شد. دوست داشتم که حتماً در این کتاب ردپای اعضای خانواده شهید ملموس باشد. لذا در گفت‌وگو با خواهرها، همسایه‌ها و اهالی روستا نیز اطلاعات خوبی به دست‌آمد.

هنگامی که به مصاحبه با هم‌زمان شهید رسیدم، دوران کرونا بود و لذا یک‌سری از مصاحبه‌ها و اطلاعات را تلفنی یا از طریق فضای مجازی دریافت کردم. البته تعدادی از هم‌زمان شهید نیز پیش از این از دنیا رفته بودند. پس از جمع‌آوری اطلاعات، کار نوشتن را آغاز کردم.

کتاب را به روایت همسر شهید نوشتم و کار را در ۳۵ صفحه به انتشارات ۲۷ بعثت تحویل دادم اما عنوان شد که با این مدل روایت امکان چاپ کتاب را ندارند، لذا از ابتدا این بار به صورت روایت «سوم شخص» نگارش کتاب را انجام دادم و مشاوره نهایی کار نیز با آقای گلعلی بابایی بود. ✎

کارت خودرو سواری سیا ۱۳۱۵E مدل ۱۳۹۴
به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی
ایران ۴۳-۲۷۱ ج ۹۷ شماره موتور 5340485
شماره شاسی NAS411100F1120113 به نام
معصومه مهدی پور مفقود گردیده و فاقد
اعتبار است.

برگ سبز خودرو دوو سی یلو مدل ۱۳۸۲ به رنگ
سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۶۷-۵۳۳ ل ۱۸
شماره موتور G15MF015397H شماره شاسی
IR81165062020 به نام عباس مقیمی مفقود
گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز هایما 57 پلاس مدل ۱۴۰۰
مشکی متالیک شماره پلاک ۸۹۷ د ۹۵ ایران ۴۰
شماره شاسی MAAD391Z1MY051513 شماره
موتور 484QT10003196A به نام محمد گرمی
مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو ام وی ام ۱۱۰ مدل ۹۱
رنگ سفید، شماره پلاک ۵۶۳ ق ۴۱ ایران ۹۱
شماره موتور MVM472FGA شماره شاسی
NATEBAF80A1006771 به نام خوشروز
غلامحسینی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی، کارت ماشین و کارت
سوخت خودرو تیبسا مدل ۱۴۰۰ به رنگ
سفید شماره انتظامی ایران ۶۷-۹۷۱ ن ۶۳
شماره موتور M159257953 شماره شاسی
NAS811100M5748234 به نام سعیده
جمشیدیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ 405 SLX-TU5
مدل ۱۳۹۱ شماره موتور 13991009689 شماره
شاسی NAAM31FC3CK365650 شماره پلاک
۵۸ ایران ۲۹۹ ط ۳۶ مفقود و از درجه اعتبار
ساقط است.